فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی/ سال دوم/ شماره ۸ / زمستان ۸۹/ صفحات ۳۸-۲۲

رابطه اقلام تعهدی اختیاری و انگیزه های مدیریت با نوسان های جریان های نقدی

محسن دستگیر*
محسن صادقی**
علی شیاسی***

تاریخ دریافت:۸۹/۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۸۹/۷/۱۷

چکیده

در مطالعه حاضر رابطه اقلام تعهدی اختیاری و انگیزه های مدیریت با در نظر گرفتن نوسان های جریان های نقدی مورد بررسی قرار می گیرد. انگیزه های مدیریت بر اساس سه معیار اندازه شرکت، ریسک شرکت و مالیات بردرآمد اندازه گیری و برای تجزیه و تحلیل اقلام تعهدی اختیاری از مدل جونز استفاده شده است.

جامعه آماری متشکل از ۱۲۵ شرکت تولیدی، قلمرو زمانی سال های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۷ و قلمرو مکانی شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران می باشد. جهت آزمون فرضیه ها، ۳ مدل رگرسیون تدوین و داده ها با استفاده از روش پانل مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

* استاد حسابداری، دانشگاه شهید چمران، گروه حسابداری، اهواز، خوزستان، ایران
** مدرس حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه و عضو باشگاه پژوهشگران جوان مبارکه، گروه حسابداری، مبارکه، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) Email: mohsen_ms_sadeghi@yahoo.com
*** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه، گروه حسابداری، مبارکه، اصفهان، ایران

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول حاکی از آن است که کـه بـین انگیـزه هـای مـدیریت بـا نوسان های وجه نقد و هموارسازی سود رابطـه معنـی داری وجـود دارد. از سـوی دیگـر نتـایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان می دهـد کـه بـین انگیـزه هـای مـدیریت بـا اقـلام تعهـدی اختیاری و هموارسازی سود رابطه معنی داری وجود دارد.

واژه های کلیدی: اقلام تعهدی اختیاری، انگیزه های مدیریت، نوسان های جریان های نقـدی، هموارسازی سود.

۱-مقدمه

یکی از اقلام حسابداری که در گزارش های مالی تهیه و ارائه می‌شود «سود خـالص» اسـت. معمولا سود به عنوان عاملی برای تدوین سیاست های تقسیم سود، پیش بینی و راهنمایی برای سرمایه گذاری و تصمیم گیری به شمار می آید. سود حسابداری بـه دو جـزء نقـدی و تعهـدی قابل تقسیم است. اقلام تعهدی خود به دو جزء اختیاری و غیـر اختیـاری تقسـیم شـده اسـت. مدیریت می تواند بر روی جـزء اختیـاری اعمـال قضـاوت وکنتـرل نمایـد. انگیـزه هـایی چـون طرح های پاداش، انگیزه های مالیاتی و ... مـی توانـد محـرک خـوبی بـرای مـدیریت در جهـت هموارسازی سود باشد. بنابراین پیش بینی می شود در زمانیکه جریان های نقدی نوسان بالایی دارند مدیریت از فرصت استفاده کرده نسبت به هموارسازی شود در جهت منافع شخصی خـود اقدام نماید. در نتیجه سوال اصلی پـژوهش ایـن اسـت کـه آیـا بـین اقـلام تعهـدی اختیـاری، انگیزه های مدیریت و نوسان های جریان های نقدی رابطه ای معنی دار وجود دارد؟

در این پژوهش که تجزیـه و تحلیـل داده هـا بـا اسـتفاده از داده هـای ترکیبـی(تلفیقـی و تابلویی) انجام می شود؛ رابطه اقلام تعهدی اختیاری و انگیزه های مدیریت مـورد بررسـی قـرار می گیرد. همچنین در صورت انتخاب روش تالویی روش اثـرات ثابـت و اثـرات تصـادفی مـورد استفاده قرار می گیرد.

پس از مقدمه، ابتدا مبانی نظری و ادبیات موضوع بیان می شـود، سـپس مـدل هـای مـورد استفاده تصریح می گردند. به دنبال آن نتایج تجربی حاصـل از تجزیـه و تحلیـل داده هـا ارائـه خواهد شد و نتیجه گیری پایان بخش مقاله خواهد بود.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

۲-ادبیات و پیشینه پژوهش

براساس مفاهیم نظری گزارشگری مالی هدف اولیه صورت های مالی ارائه اطلاعاتی تلخیص و طبقه بندی شده در خصوص وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری جهت یاری نمودن استفاده کنندگان صورت های مالی در اتخاذ تصمیم های اقتصادی است. ارائه اطلاعات مستمر و مطلوب پیرامون عملکرد مالی واحدهای تجاری، به کارگیری فرض تعهدی را در گزارشگری مالی اجتناب ناپذیر ساخته است. در سیستم حسابداری تعهدی رویدادهای مالی بدون توجه به زمان دریافت و یا پرداخت وجه حاصل از آنها، در زمان وقوع ثبت و گزارش می شوند. بر این اساس سود حسابداری در سیستم تعهدی از دو جزء جریان های نقدی و اقلام تعهدی تشکیل یافته است. از آنجا که براساس اصول پذیرفته شده حسابداری مدیران در مورد زمان شناسایی درآمدها و هزینه ها از آزادی عمل نسبی برخوردارند، برخی معتقدند که اقلام تعهدی حاصل اعمال متهورانه مدیریت در شناسایی، ثبت و گزارش رویدادها و دست مایه مدیران در تحریف صورت های مالی است (اسلوان[1]، ۱۹۹۶).

استفاده کنندگان از صورتهای مالی همواره به قابل اتکا بودن و مفید بودن اقلام تعهدی به دیده تردید می نگرند؛ چرا که مدیران قادرند با به کارگیری روش های مختلف حسابداری به شکل قانونی و در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری، سود شرکت را دستخوش تغییر و هم راستا با تمایلات شخصی خود سازند (واتز و زیمرمن[2]، ۱۹۸۶). با این وجود درک فرآیند شناسایی آن دسته از اقلام تعهدی که بر کیفیت سود تأثیرگذار است برای سرمایه گذاران دشوار بوده و مانع از تشخیص دقیق کیفیت سود شرکت توسط آنان می شود. از این رو ممکن است، تصمیمات آنان بر مبنای سودهای گزارش شده ای که از کیفیت بالایی برخوردار نیست اتخاذ و به از دست دادن منابع آنان منتهی گردد (زای[3]، ۲۰۰۱). به طور کلی می توان ادعا نمود آنچه موجب جلب توجه صاحب نظران به کیفیت اقلام تعهدی به عنوان شاخصی از کیفیت سود می شود محتوای اطلاعاتی اجزای تشکیل دهنده اقلام تعهدی است (اسلوان، ۱۹۹۶). به عبارت دیگر اجزای اقلام تعهدی قادر است اطلاعاتی پیرامون عملکرد شرکت ارائه دهد، لیکن بازار به این اطلاعات به کندی واکنش نشان می دهد. بنابراین اجزای اقلام تعهدی می تواند به عنوان شاخص تعیین بهبود یا زوال شرکت مورد توجه قرار گیرد (پالپو[4]، ۲۰۰۰).

---

1 .Sloan
2 .Watts and Zimmerman
3 .Xie
4 .Palepu

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

همچنین در یک طبقه بندی اقلام تعهدی به دو دسته اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری تقسیم می شود. اقلام تعهدی اختیاری دسته ای از اقلام تعهدی است که به وسیله عملیات عادی توصیف نمی شود. در نتیجه بخش دیگری از اقلام تعهدی که انتظار می رود در روند عادی فعالیت مؤسسه گزارش شوند اقلام تعهدی غیر اختیاری یا نرمال (پیش بینی شده) نامیده می شوند (دیفوند و همکاران[1]، ۱۹۹۸). فرض می شود که سودها به روشی قابل پیش بینی و در جهت رسیدن به اهداف خاصی مدیریت می شوند و اقلام تعهدی اختیاری به عنوان نماینده ای از میزان مدیریت سود در نظر گرفته می شود (توماس و همکاران[2]، ۲۰۰۰).

بنابراین چندین سؤال مطرح می شود:

۱- مدیریت شرکت چقدر می‌تواند با به کارگیری ارقام تعهدی به سرمایه‌گذاران کمک نماید تا «انتظارات عقلایی» خود را درباره عملکرد شرکت شکل دهند و در چه زمانی چنین فعالیتی منجر به مدیریت سود می شود؟

۲- با توجه به این موضوع و این که انتخاب ارقام تعهدی با هدف هموار نمودن سود حسابداری نسبت به جریان های نقدی مربوط انجام می شود، در چه زمانی اختیار مدیر و اعمال آن به مدیریت سود منجر می شود؟ (دستگیر و ناظمی، ۱۳۸۶)

در حالی که سهامداران، مدیران رابرای حداکثر کردن ثروت خویش منصوب می کنند مدیران در چارچوب تئوری نمایندگی و وجود تضاد منافع که محصول فرعی و طبیعی رابطه نمایندگی است، سعی می کنند ثروت خود را حداکثر کنند. در این میان انگیزه های مدیران، از محرک های اصلی هموارسازی سود می باشد. لذا سهامداران برای بیشینه سازی ارزش شرکت، کاهش فرار مدیران از زیر بار مسئولیت و نیز کاهش تضاد منافع بین سهامداران و مدیران معمولاً قراردادهای حقوق و مزایا منعقد می کنند. این قراردادها عمدتاً شامل طرح های پاداش و اختیار خرید سهام است. بنابراین ثروت مدیران با دو عامل افزایش قیمت سهام و اعطای پاداش افزایش می یابد (حساس یگانه، ۱۳۸۴). بنابراین از میزان پاداش دریافتی می توان به عنوان یکی از انگیزه های مدیریت نام برد.

هپ ورث[3] (۱۹۵۳) کسب منافع مالیاتی را دلیلی برای هموارسازی سود بیان می کند. طبق نظر ایشان می توان با دستکاری اقلام درآمد و هزینه طی زمان بدهی مالیاتی را کاهش داد.

1. Defond, et al.
2. Thomas, et al.
3. Hepworth

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

معمولاً قرار دادهای بدهی[1] برای محدود کردن اعمال مدیرانی که بر خلاف منافع اعتبار دهندگان و طلبکاران به نفع سهامداران کار می کنند تنظیم می شود. از جمله این اقدامات پرداخت سود تقسیمی بیش از حد و یا استقراض مجدد، پایین آمدن سرمایه در گردش و یا نسبت حقوق صاحبان سهام از یک سطح معین می باشد. (هیلی و وهلن[2]، ۱۹۹۹)

واتز و زیمرمن[3] (۱۹۸۶) طبق فرضیه نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام بیان می کند: در صورت ثبات سایر شرایط، هرچه نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام بیشتر باشد احتمال اینکه مدیر از روش ها و رویه هایی استفاده کند که سود گزارش شده را از دوره های آتی به دوره جاری منتقل کند بیشتر می شود.

به اعتقاد موسس[4] (۱۹۸۷) شرکت های بزرگ تر به دلیل اینکه بیشتر در دید و نظارت عموم هستند انگیزه کمتری برای هموارسازی سود دارند. هرچند زیمرمن[5] (۱۹۸۳) و سیگفرید[6] (۱۹۷۵) بیان کردند که شرکت های بزرگ تر انگیزه بیشتری برای هموارسازی سود دارند. بلکوئی و پیکور (۱۹۸۴) معتقدند بعضی از شرکت ها به دلیل وجود راه های مختلف افشا نسبت به سایر شرکت ها، تغییر پذیری سود بیشتری را نشان می دهند و نیاز کمتری به هموارسازی سود دارند. مثلاً شرکت های بزرگ تر ممکن است بیشتر تحت نظارت تحلیل گران باشند و بیشتر توسط آنها شناسایی شوند؛ بنابراین مدیران از طریق هموارسازی سود ارزش بیشتری را بدست نمی آورند. بنابراین شرکت های بزرگ تر نیاز کمتری به هموارسازی سود دارند.

با توجه به موارد مذکور می توان از قراردادهای بدهی ، کسب منافع مالیاتی، پاداش مدیران، ریسک شرکت و اندازه شرکت به عنوان انگیزه های اصلی مدیریت جهت هموارسازی سود نام برد. در اینخصوص پور حیدری و افلاطونی (۱۳۸۵) در پژوهشی انگیزه های هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" مورد بررسی قرار دادند. معیارهای مورد استفاده برای انگیزه های مدیران قراردادهای بدهی ، کسب منافع مالیاتی، پاداش مدیران، ریسک شرکت و اندازه شرکت می باشد. نتایج نشان می دهد هموارسازی سود با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری، توسط مدیران شرکت های ایرانی صورت

---

[1] .Lending contracts
[2] .Hely and Wehlen
[3] .Watts and Zimmerman
[4] .Moses
[5] .Zimmerman
[6] .Siegfried

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

می گیرد و مالیات بر درآمد در فعالیت های عملیاتی محرک اصلی برای هموار نمودن سود با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری است.

سایر پژوهش های مرتبط با موضوع این پژوهش به قرار زیر است:

داروق و همکاران[1] (۱۹۹۷) در پژوهشی مدیریت سود در شرکت های ژاپنی را در بین سال های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲ بررسی کردند. آنها برای هموارسازی سود (متغیر وابسته) از معیار اقلام تعهدی اختیاری استفاده کردند و آثار پنج متغیر مستقل شامل قرارداد بدهی (نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام)، هزینه سیاسی (کل دارایی ها و تعداد مالکان)، پاداش مدیران، تأمین مالی خارجی (نسبت سود انباشته به کل دارایی ها) و تأمین مالی داخلی (رابطه معکوس با تأمین مالی خارجی دارد) و ساختار مالکیت، را بر هموارسازی سود مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان می دهد که مدیران ژاپنی از اقلام تعهدی فزاینده سود برای افزایش پاداش و تأمین مالی خارج از شرکت استفاده می کنند. به طور متوسط فرضیه بدهی در محیط ژاپنی تأیید نشد و به نظر می رسد کل دارایی ها و تعداد کارکنان شاخص خوبی برای متغیر هزینه سیاسی باشد. فرضیه های مربوط به مالکیت افراد سرمایه گذار، رد شدند ولی شرکت هایی که درجه مالکیت بالاتری از دلالان دارند از اقلام تعهدی فزاینده سود استفاده کرده اند.

چنی و جیتر[2] (۱۹۹۷) در پژوهشی ویژگی شرکت هایی که مدیران آنها با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری به هموارسازی سود حول سود دائمی و پایدار شرکت می پردازند، را در فاصله سال های ۱۹۸۰ تا۱۹۹۲ مورد بررسی قراردادند.آنها برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل شده جونز استفاده کردند سپس با مقایسه میانگین دو جامعه و تجزیه و تحلیل رگرسیون به این نتیجه دست یافتند که شرکت های هموارساز شرکت های بزرگ تری هستند، بازده بیشتر و اقلام تعهدی اختیاری بالاتری دارند.

دی فوند و پارک[3] (۱۹۹۷) در پژوهشی اثر سود جاری و مورد انتظار را بر رفتار اقلام تعهدی اختیاری بررسی و با استفاده از فرضیه فودنبرگ و تیرول[4] (۱۹۹۵) پیش بینی کردند که مدیران برای کاهش احتمال برکناری شغلی به هموارسازی سود می پردازند. ایشان ۱۳۲۹۷ شرکت در فاصله سال های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۴ را انتخاب و آنها را به چهارگروه شرکت های با عملکرد جاری بالا، با عملکرد جاری پایین، با عملکرد آتی بالا و شرکت های با عملکرد آتی پایین تقسیم کردند. نتایج نشان می دهد زمانی که عملکرد جاری پایین و عملکرد آتی بالاست،

1 .Darrough, et al.
2 .Cheny and Jeter
3 .Defond and Park
4 .Fudenberg and Tirole

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

متوسط و میانه اقلام تعهدی اختیاری مثبت است، همچنین زمانی که عملکرد جاری بالا و عملکرد آتی پایین است، متوسط و میانه اقلام تعهدی اختیاری منفی است؛ که نتایج به دست آمده با هموارسازی سود مدیران سازگاری دارد. همچنین نتایج دیگر نشان می دهد نسبت بدهی و اقلام تعهدی دوره قبل با اقلام تعهدی اختیاری رابطه منفی و با اندازه شرکت رابطه مثبت دارد.

زاروین[1] (۲۰۰۶) در پژوهشی با استفاده از مدل مقطعی تعدیل شده جونز به بررسی رابطه سود و جریان های نقدی آتی با سود دوره های گذشته و جاری با درجات مختلف هموارسازی پرداخته اند. نتایج پژوهش نشان می دهد هموارسازی سود به افزایش محتوای اطلاعاتی سود منجر می شود و سود هموار شده، اطلاعاتی را در مورد سود، جریان های نقدی و اقلام تعهدی دوره های آتی ارائه می نماید.

کیم و همکاران[2] (۲۰۰۹) در پژوهشی رابطه نوسان های جریان های نقدی، هموارسازی سود و انگیزه های مدیریت را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان می دهد در شرکت هایی که به مدیران خود پاداش می دهند، مدیریت در زمانی که نوسان های جریان های نقدی بالاست اقدام به هموارسازی سود می نمایند. همچنین مدیریت جهت هموارسازی سود از اقلام تعهدی اختیاری کاهنده و فزاینده سود بهره می گیرند.

مشایخی و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهشی به بررسی «نقش اقلام تعهدی اختیاری درمدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» پرداخته اند. نتایج حاکی از آن است که در شرکت های مورد مطالعه مدیریت سود اعمال شده است. در واقع مدیریت به هنگام کاهش وجوه نقد حاصل از عملیات که بیان گر عملکرد ضعیف واحد تجاری بوده است، اقدام به افزایش سود از طریق افزایش اقلام تعهدی اختیاری کرده است.

مشایخی و صفری (۱۳۸۵) پژوهشی با عنوان «وجه نقد ناشی از عملیات و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» طی دوره ۱۳۸۲-۱۳۷۹ انجام داده اند. نتایج حاکی از تأیید فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر انجام مدیریت سود در شرکت های مورد بررسی می باشد. هم چنین مشخص گردید، هنگامی که فعالیت های عملیاتی ضعیف است (بر مبنای وجه نقد ناشی از عملیات)، شرکت ها تمایل دارند که استراتژی های افزایش سود در پیش بگیرند. ولی در مورد شرکت های با فعالیت عملیاتی خوب (بر مبنای وجه نقد ناشی از عملیات) در کل کاهش اقلام تعهدی مشاهده می شود.

1 .Zarowin
2 .Kim, et al.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

ملانظری و کریمی زند (۱۳۸۶) طی پژوهشی به بررسی رابطه هموارسازی سود با اندازه شرکت و نوع صنعت در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان می دهد که بین اندازه ی شرکت و هموارسازی سود، همبستگی قوی و معکوس وجود دارد. دیگر نتایج نشان می دهد که تنها در سطح سود ناویژه ارتباط ضعیفی بین صنعت و هموارسازی مشاهده می شود. همچنین بین هموارسازی سود با اندازه ی شرکت رابطه ای معنی دار وجود داشته ولی بین هموارسازی سود و نوع صنعت ارتباط معنی داری وجود ندارد.

عارف منش و مهرانی(۱۳۸۷) در پژوهشی هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. در این مطالعه پس از تفکیک شرکت ها به دو گروه هموار ساز و غیر هموار ساز خصوصیات آنها را از لحاظ وجود فرصت و انگیزه برای هموار سازی سود در قالب شش فرضیه مورد آزمون قرار گرفت و تأثیر اندازه شرکت، نسبت بدهی، عملکرد، میزان اقلام تعهدی و بازده را در هموار سازی سنجیده شد. نتایج نشان می دهد شرکت های هموار ساز در مقایسه با شرکت های غیر هموار ساز با داشتن عملکرد ضعیف تر، انگیزه بیشتر و با دارا بودن اقلام تعهدی اختیاری بزرگتر، فرصت بیشتری جهت هموار سازی سود دارند.

۳- فرضیه ها

به جهت پاسخ گویی به سوال اصلی پژوهش، دو فرضیه به صورت زیر تدوین و مورد آزمون تجربی قرار خواهد گرفت:

۱- بین انگیزه های مدیریت با نوسان های وجه نقد و هموارسازی سود رابطه معنی داری وجود دارد.

۲- بین انگیزه های مدیریت با اقلام تعهدی اختیاری و هموارسازی سود رابطه معنی داری وجود دارد.

۴- روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ ماهیت توصیفی و از نوع همبستگی و از لحاظ هدف کاربردی است. مدل آماری به کار گرفته شده در این پژوهش مدل رگرسیون چند متغیره می باشد. در این پژوهش جهت آزمون فرضیه ها از داده های ترکیبی استفاده می شود. در روش داده های

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

ترکیبی برای انتخاب بین روش های پانل[1] و پولینگ[2] از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. در صورت انتخاب روش پانل، آزمون هاسمن جهت انتخاب از بین روش های اثرات ثابت[3] و اثرات تصادفی[4] انجام می‌شود.. در نهایت فرضیه های پژوهش از طریق آزمون t، F فیشر و ضریب تعیین (R^2) مورد آزمون قرار می گیرد.

در ابتدا برای تجزیه و تحلیل اقلام تعهدی اختیاری از مدل جونز[5] (۲۰۰۵) استفاده خواهد شد:

$$TA=\alpha+\beta_1(1/Assets_{t-i})+\beta_2[(\Delta SALES_{it}-\Delta AR_{it})/Assets_{t-i}]+\beta_3(ppe_t/Assets_{t-i}) + \beta_4 Roa+e_t \quad (1)$$

در مدل فوق، TA اقلام تعهدی کل است که متغیر وابسته است و از تفاضل تغییرات دارایی های جاری غیر نقد و تغییرات بدهی های جاری به دست می آید. سایر متغیر ها مستقل می باشند که :

$Assets_{t-i}$ جمع دارایی های ابتدای دوره است.

$\Delta SALES_{it}$ تفاضل فروش سال جاری و سال قبل می باشد.

ΔAR_{it} تفاضل حساب های دریافتنی سال قبل و سال جاری می باشد.

ppe_t دارایی های ثابت مشهود است.

Roa نرخ بازده دارایی ها است که از نسبت سود خالص به جمع دارایی های ابتدای دوره حاصل می شود.

طبق مدل فوق هر کدام از شرکت- سال های نمونه دارای یک خطا می باشد که از کل خطاها میانگینی گرفته می شود و تفاوت بین میانگین خطاها با خطای هر شرکت- سال به عنوان اقلام تعهدی ختیاری در نظر گرفته می شود.

سپس برای بررسی رابطه بین نوسان های وجه نقد و هموارسازی سود با انگیزه های مدیریت طبق نظر کیم و همکاران (۲۰۰۹) از مدل رگرسیون چند متغیره زیر استفاده خواهد شد:

---

[1] .panel
[2] .pooling
[3] .Finxed Effect
[4] .Random Effect
[5] .Jones

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

$$Comp\ cash = \alpha + \beta_1\ Earn + \beta_2\ Return + \beta_3\ Dvol + \beta_4\ Smooth + \beta_5\ Dvol*Smooth + e_t \quad (۲)$$

طبق مدل فوق Comp cash عبارت است از انگیزه های مدیریت که متغیر وابسته است و بر اساس سه متغیر اندازه شرکت، ریسک شرکت و مالیات بردرآمد به صورت زیر محاسبه می شود:

اندازه شرکت = لگاریتم فروش

ریسک شرکت = کل بدهی ها /کل دارایی ها

مالیات بر درآمد = هزینه مالیات / سود مشمول مالیات

انگیزه های مدیریت = (اندازه شرکت +ریسک شرکت +مالیات بر درآمد)/ ۳

و Return, Dvol، Earn و Smooth متغیرهای مستقل می باشند که Earn سود خالص است و Return بازده سهام است که از بانک های اطلاعاتی بورس قابل استخراج است.

Smooth میزان هموارسازی سود است و یک متغیر مجازی می باشد که جهت محاسبه آن کل شرکت های نمونه بر اساس نسبت وجه نقد عملیاتی به سود خالص به ۱۲ طبقه (طبق نظر کیم و همکاران، ۲۰۰۹) تقسیم خواهد شد. متغیر مذکور عدد ۱ را به خود اختصاص می دهد در صورتیکه شرکت مورد نظر در طبقه های ۴ تا ۸ باشد و در غیر اینصورت عدد ۰ را به خود اختصاص خواهد داد.

و Dvol میزان نوسان های جریان های نقدی است و یک متغیر مجازی می باشد که جهت محاسبه آن ضریب تغییرات جریان های نقدی عملیاتی کل شرکت های نمونه محاسبه می شود. سپس از تفاوت وجه نقد هر شرکت با ضریب تغییرات به دست آمده نوسان وجه نقد هر شرکت محاسبه خواهد شد. در ادامه از نوسان های وجه نقد به دست آمده میانگینی گرفته می شود. اگر نوسان وجه نقد هر شرکت بالاتر از میانگین باشد متغیر مذکور عدد ۱ را به خود اختصاص می دهد در غیر اینصورت عدد ۰ را به خود اختصاص خواهد داد.

سپس برای بررسی رابطه بین هموارسازی سود و اقلام تعهدی اختیاری با انگیزه های مدیریت طبق نظر کیم و همکاران (۲۰۰۹) از مدل رگرسیون چند متغیره زیر استفاده خواهد شد:

$$Comp\ cash = \alpha + \beta_1 Earn + \beta_2\ Return + \beta_3 Smooth + \beta_4 Dposabnas + \beta_5 Dposabnas*Smooth + e_t \quad (۳)$$

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

طبق مدل فوق Comp cash عبارت است از انگیزه های مدیریت که متغیر وابسته است و Earn ، Return, Dposabnas و Smooth متغیرهای مستقل می باشند که در مدل قبل توضیح داده شد.

وDposabnas عبارت است از اقلام تعهدی اختیاری و یک متغیر مجازی می باشد که جهت محاسبه آن از کل اقلام تعهدی اختیاری میانگینی گرفته می شود. در صورتیکه اقلام تعهدی اختیاری هر شرکت بالاتر از میانگین باشد عدد ۱ و در صورتیکه پایین تر از آن باشد عدد۰ را به خود اختصاص می دهد.

۵- جامعه آماری و نمونه

در پژوهش حاضر شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار که دارای ویژگی های زیر بوده؛ به عنوان نمونه انتخاب شدند:

۱-سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند باشد.

۲-لااقل هر سه ماه یکبار سهام آنها مبادله شده باشد.

۳-فعالیت آنها تولیدی باشد.

۴- در طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداشته باشند.

۵- اطلاعات مورد نظر در طی سال های مورد بررسی موجود باشد.

با توجه به شرایط و محدودیت های فوق، از بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در مجموع ۱۲۶ شرکت انتخاب شدند. همچنین به منظور انجام آزمون های مورد نظر و با توجه به اطلاعات موجود، دوره زمانی تحقیق بین سال های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۶ (از آنجائی که در محاسبه متغیرهای پژوهش نیاز به استفاده از داده های سال های قبل و بعد از سال جاری است بنابراین داده های سال های ۱۳۷۷ و ۱۳۸۸ نیز استفاده شده است) و قلمرو مکانی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در نظر گرفته شد.

۶- تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها

۶-۱- تجزیه و تحلیل اقلام تعهدی اختیاری

همان گونه که قبلا بیان شد اقلام تعهدی اختیاری طبق مدل شماره (۱) محاسبه می شود. بنابراین قبل از آزمون فرضیه های پژوهش باید اقلام تعهدی اختیاری طبق مدل مذکور مورد

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

تجزیه و تحلیل قرار گیرد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها در جدول (۱) منعکس می باشد.

جدول۱: نتایج تجزیه و تحلیل داده ها جهت محاسبه اقلام تعهدی اختیاری با استفاده از داده های تلفیقی

متغیر وابسته:اقلام تعهدی (TA)				
متغیر ها	ضریب	خطا استاندارد	آماره t	p-value
C	۰.۰۰۰۱۱	۰.۰۰۵۳	۰.۰۲۲۲۶	۰.۹۸۳
1/ASSET	۰.۰۰۰۲۶	۰.۰۰۰۹	۲.۹۱۴۷	*۰.۰۰۳
(ΔSALES-ΔAR)/ASSET	-۰.۰۰۰۰۱	۰.۰۰۰۰۶	-۰.۱۷۴۰۰	۰.۸۶۱
PPE/ASSET	۰.۰۴۲۵۴	۰.۰۱۷۵۰	۲.۴۳۰	*۰.۰۱۵
ROA	-۰.۰۰۰۰۳	۰.۰۰۰۱۸	-۰.۰۱۶۶۵	۰۹۸۶
R^2	٪۶۵	آماره دوربین-واتسون		۱.۸۵
آماره fفیشر	۱.۵۸	p-value		۰.۰۰۰
آزمون F لیمر		۰.۹۴۷۲ (۰.۶۳۰۳)		

* در سطح اطمینان ۹۵٪

** در سطح اطمینان ۹۰٪

همانگونه که در جدول (۱) مشاهده می شود p-value آزمون F لیمر بیشتر از سطح خطای مورد پذیرش بوده و بنابراین روش داده های تلفیقی انتخاب می شود. p-value آماره F فیشر کمتر از سطح خطای مورد پذیرش بوده و کل رگرسیون معنی دار است. همچنین p-value آماره t برای 1/ASSET, PPE/ASSET کمتر از سطح خطای مورد پذیرش بود و بنابراین بین اقلام تعهدی با دو متغیر مذکور رابطه معنی داری وجود دارد.p-value آماره t برای سایر متغیرها بیشتر از سطح خطای مورد پذیرش بوده و بنابراین رابطه معنی دای با اقلام تعهدی ندارند. با توجه به آماره دوربین واتسون در برآورد مدل اولیه مشخص شد که مدل مذکور دارای خود همبستگی نمی باشد. R^2 به دست آمده نشان می دهدکه متغیرهای مستقل مدل قادر هستند ۶۵٪ رابطه با متغیر وابسته را توضیح دهند. بنابراین رابطه بالایی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته وجود دارد.

پس از تخمین مدل فوق، از خطاهای استخراج شده از نرم افزار Eviews میانگینی گرفته شد و از تفاوت خطاها با میانگین به دست آمده ، اقلام تعهدی اختیاری محاسبه و در مدل های بعدی مورد استفاده قرار گرفت.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

۷- آزمون فرضیه ها در سطح داده های ترکیبی

۷-۱- آزمون فرضیه اول

براساس مبانی نظری فرضیه اول بیان شد بین انگیزه های مدیریت با نوسان های وجه نقد و هموارسازی سود رابطه معنی داری وجود دارد. این فرضیه در سطح داده های ترکیبی با استفاده از مدل(۲)مورد آزمون قرار گرفت.نتایج حاصل از آن در جدول (۲) منعکس شده است.

جدول۲: نتایج تجزیه و تحلیل داده ها جهت آزمون فرضیه اول با استفاده از داده های تابلویی

متغیر وابسته: انگیزه های مدیریت				
متغیر ها	ضریب	خطا استاندارد	آماره t	p-value
EARN	-۰.۰۰۲۸۸	۰.۰۰۶۸۶۳	-۰.۴۱۶۵	۰.۶۷۴۸
RETURN	۰.۰۰۰۲۵۸	۰.۰۰۰۶۷	۳.۷۹۹۶	*۰.۰۰۰۲۰
DVOL	-۰.۰۰۴۰۰	۰.۰۱۵۱۲	-۰.۲۶۴۵۰	۰.۷۹۱۴
SMOOTH	۰.۰۰۰۹	۰.۰۰۰۱۰	۰.۹۰۷۹	۰.۳۶۴۱
DVOL*SMOOTH	-۰.۰۰۰۲۵	۰.۰۰۰۱۴	-۱.۶۸۷۱	**۰.۰۹۱۹۰
AR(1)	-۰.۰۷۲۶۵	۰.۰۳۸۶۲	-۱.۸۷۰۴	۰.۰۶۱۷۰
R^2	٪۱۷	آماره دوربین- واتسون		۱.۸۵۶۶
آماره fفیشر	۲۹.۴۰	p-value		۰.۰۰۰
آزمون F لیمر			۶.۲۳۴۵ (۰.۰۰۰)	
آزمون هاسمن			۱۰.۳۵۶۲ (۰.۰۰۰)	

* در سطح اطمینان ۹۵٪

** در سطح اطمینان ۹۰٪

همانگونه که در جدول (۲) مشاهده می شود p-value آزمون F لیمر و F هاسمن هر دو کمتر از سطح خطای مورد پذیرش بوده و بنابراین روش اثرات ثابت انتخاب می شود. p-value آماره F فیشر کمتر از سطح خطای مورد پذیرش بوده و کل رگرسیون معنی دار است. همچنین p-value آماره t برای RETURN, DVOL*SMOOTH کمتر از سطح خطای مورد پذیرش بود و نشان می دهد که بین انگیزه های مدیریت با دو متغیر مذکور رابطه معنی داری وجود دارد. p-value آماره t برای سایر متغیرها بیشتر از سطح خطای مورد پذیرش بوده و بنابراین رابطه معنی داری با اقلام تعهدی ندارند. با توجه به آماره دوربین واتسون در برآورد مدل اولیه مشخص شد که مدل مذکور دارای خود همبستگی می باشد که جهت رفع آن از جزء AR(1) استفاده شده است. R^2 به دست آمده نشان می دهدکه متغیرهای مستقل مدل قادر هستند ۱۷٪ رابطه با متغیر وابسته را توضیح دهند. بنابراین رابطه بالایی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته وجود ندارد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

۷-۲- آزمون فرضیه دوم

براساس مبانی نظری فرضیه دوم بیان شد بین انگیزه های مدیریت با اقلام تعهدی اختیاری و هموارسازی سود رابطه معنی داری وجود دارد. این فرضیه در سطح داده های ترکیبی با استفاده از مدل (۳) مورد آزمون قرار گرفت که نتایج حاصل از آن در جدول (۳) آمده است.

جدول۳ : نتایج تجزیه و تحلیل داده ها جهت آزمون فرضیه دوم با استفاده از داده های تلفیقی

متغیر وابسته: انگیزه های مدیریت				
متغیر ها	ضریب	خطا استاندارد	آماره t	p-value
EARN	۰.۰۰۰۱۱	۰.۰۰۵۳۵۲	۰.۰۲۲۲	۰.۹۸۲۲۰
RETURN	۰.۰۰۰۲۶	۰.۰۰۰۰۹۰	۲.۹۱۴۷۵	*۰.۰۰۳۶۰
SMOOTH	-۰.۰۰۰۰۱۰	۰.۰۰۰۰۶۰	-۰.۱۷۴۰	۰۸۶۱۹
Dposabnas	۰.۰۴۲۵۴	۰.۰۱۷۵۰	۲.۴۳۰۸	**۰.۰۱۵۲۰
Dposabnas* Smooth	-۰.۰۰۰۳۱	۰.۰۰۰۱۸	-۰.۰۱۶۶۵	۰.۹۸۶۷
R^2	٪۱۲	آماره دوربین-واتسون		۲.۱۹۴
آماره ژفیشر	۲۹.۰۲۳	p-value		۰.۰۰۰
آزمون لیمر		(۰.۰۶۴۵۷)	۱.۲۳۱	

* در سطح اطمینان ۹۵٪

** در سطح اطمینان ۹۰٪

همانگونه که در جدول (۳) مشاهده می شود p-value آزمون F لیمر بیشتر از سطح خطای مورد پذیرش بوده و بنابراین روش داده های تلفیقی انتخاب می شود. p-value آماره F فیشر کمتر از سطح خطای مورد پذیرش بوده و کل رگرسیون معنی دار است. همچنین p-value آماره t برای *RETURN*, *Dposabnas* کمتر از سطح خطای مورد پذیرش بود و نشان می دهد که بین انگیزه های مدیریت با دو متغیر مذکور رابطه معنی داری وجود دارد. p-value آماره t برای سایر متغیرها بیشتر از سطح خطای مورد پذیرش بوده و بنابراین سایر متغیرها رابطه معنی داری با انگیزه های مدیریت ندارند. با توجه به آماره دوربین واتسون در برآورد مدل اولیه مشخص شد که مدل مذکور دارای خود همبستگی نمی باشد. R^2 به دست آمده نشان می دهدکه متغیرهای مستقل مدل قادر هستند ۱۲٪ رابطه با متغیر وابسته را توضیح دهند. بنابراین رابطه بالایی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته وجود ندارد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

۸- نتیجه گیری

طبق مبانی نظری مطروح شده و با عنایت به مدل های تدوین شده انتظار می رفت که بین انگیزه های مدیریت با نوسان های وجه نقد و هموارسازی سود رابطه معنی داری وجود دارد. این رابطه در سطح داده های ترکیبی مورد آزمون قرار گرفت که نتایج نشان از وجود رابطه معنی داری بین انگیزه های مدیران و هموارسازی سود در هنگام نوسان های جریان های نقدی دارد. بنابراین نتایج تجربی به دست آمده با مبانی نظری مطرح شده مطابقت دارد. همچنین نتایج به دست آمده با نتایج پژوهش هایی چون کیم و همکاران (۲۰۰۹) و پورحیدری و افلاطونی (۱۳۸۶) سازگار می باشد

از سوی دیگر با توجه به مبانی نظری و با عنایت به مدل های تدوین شده انتظار می رفت که بین انگیزه های مدیریت با اقلام تعهدی اختیاری و هموارسازی سود رابطه معنی داری وجود دارد. این رابطه در سطح داده های ترکیبی مورد آزمون قرار گرفت که نتایج نشان می دهد بین متغیرهای مذکور هیچگونه رابطه معنی داری وجود ندارد و این نشان از عدم مطابقت نتایج تجربی با مبانی نظری مطرح شده دارد. همچنین نتایج به دست آمده با نتایج حاصل از پژوهش هایی چون کیم و همکاران (۲۰۰۹) و پورحیدری و افلاطونی (۱۳۸۶) مطابقت ندارد.

۹- پیشنهادهای پژوهش

۱- نتایج حاصل از فرضیه اول پژوهش نشان می دهد بین انگیزه های مدیران و هموارسازی سود در هنگام نوسان های جریان های نقدی رابطه ای مستقیم برقرار می باشد. بنابراین پیشنهاد می شود از طرف سازمان بورس اوراق بهادار آموزش های لازم به سهامداران، سرمایه گذارن ارائه شود تا آنها بتوانند به طرز مطلوب تری از صورت های مالی استفاده نمایند.

۲- هر چند که نتایج حاصل از فرضیه دوم منجر به کشف رابطه ای معنی دار در سطح اطمینان مذکور نشد، با این حال به اعتباردهندگان، سرمایه گذاران، تحلیل گران و سایر ذی نفعان توصیه می شود توجه بیشتری به کیفیت اقلام تعهدی اختیاری داشته باشند و آن را در مدل های تصمیم گیری خود لحاظ نمایند.

آنچه برای پژوهش های آتی پیشنهاد می شود شامل موارد زیر است:

۱- رابطه بین انگیزه های مدیران و هموارسازی سود در شرکت های غیر تولیدی.

۲- بررسی انگیزه ها و واکنش های مدیریت در محیط های متفاوت و نا مطمئن.

۳-بررسی رابطه بین حسابرسی مستقل و انگیزه های مدیریت.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

منابع :

۱- پورحیدری، امید و عباس افلاطونی (۱۳۸۵)، «بررسی انگیزه های هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران»، ***بررسی های حسابداری و حسابرسی***، شماره ۷۰.

۲- دستگیر، محسن و امین ناظمی(۱۳۸۶)، «بررسی نظرات استادان دانشگاه ها، حسابداران حرفه ای و قانون گذاران در رابطه با مدیریت سود: مروری بر تحقیق های انجام شده در ایران»، ***دانش و پژوهش حسابداری***، سال سوم، شماره یازدهم.

۳- مشایخی ، بیتا و مریم صفری (۱۳۸۵)، «وجه نقد ناشی از عملیات ومدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، ***بررسی های حسابداری وحسابرسی***، شماره.۴۴

۴- مشایخی، بیتا و ساسان مهرانی (۱۳۸۴)، «نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، ***بررسی های حسابداری وحسابرسی***، شماره ۴۲.

۵- مدرس، احمد، زهرا قفقازی و امیر رسائیان(۱۳۸۸)، «بررسی انگیزه های مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مورد صنایع نفتی، شیمیایی و فلزی« ***مجله حسابداری مالی***، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه، شماره ۴.

6- Chaney Paul K and Debra C . Jeter,(1997). " Income smoothing and firm characteristics" **,** ***Accounting Enquiries*** ; VOL.1 NO.7

7- Defond L Mark , Chul w . Park ,(1997) "Smoothing Income in anticipation of future earnings" **,** ***Jornal of Accounting and Economics*** Vol.23.

8- Defond L Mark , Chul w . Park ,(1997) "Smoothing Income in anticipation of future earnings" **,** ***Jornal of Accounting and Economics*** Vol.23.

9- Defond, M. l., Subramanyam, K. R, (1998) "Auditor changes and discretionary accruals" ***Journal of Accounting and Economics***, Vol.25, P.P.35-67

10- Darrough N.Massako,Hamid Pourjalali and Shahrokh Saudagaran (1997). " ***Earnings management in Japanese companies***" , on Line Avalable at :www.ssrn.com

11- Fudenberg, D., and J. Tirole. (1995). "A theory of income and dividend smoothing based on incumbency rents". ***The Journal of Political Economy*** NO.103: P.P. 75-93.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

12- Hepworth, S. R.(1953). "Smoothing Periodic Income".***The Accounting Review***, Vol. 28, No. 1, PP. 32-39.

13- Kyonghee kim, Keejae Hong and Somnath Das (2009) "Cash Flow Volatility, Income Smoothing and CEO Cash Compensation" , ***financial accounting and reporting section,*** on Line Avalable at www.ssrn.com.

14- Moses, O. D.(1987). "Income Smoothing and Incentives: Empirical Tests Using Accounting Changes".***The Accounting Review***, Vol.62, No.2, PP.358-377.

15- Palepu, K. Healy, P. Bernard, V. (2000). "Business analysis and valuation, southwestern publishing". on Line Avalable at www.ssrn.com.

16- Sloan, and Richard, G. (1996). "Do stock prices fully reflect information in accruals and cash flows about future earnings" **.** ***Accounting Review*** NO.71, PP. 289-315.

17-Thomas, J, Zhang. X, (2000), "Identifying unezpected accrouals:a comparison of current approaches", ***Journal of Accounting and Public Policy***, VOL.19, PP.347-367

18-Watts L. Ross and Jerold L. Zimmerman, (1986). " ***Positive Accounting Theory***", Prentice-Hall International ,Inc.

19- Xie, H. (2001). "The mispricing of abnormal accruals". ***The Accounting Review,*** Vol. 76, PP 357-373.

20- Zarowin, P.(2002). "***Does Income Smoothing Make Stock Prices More Informative?***" . on Line Avalable at: http:www.SSRN.com.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]